مبانی عالم جدید و قدیم

ظاهراً دلیل اینکه آسید محمد سعید هم به عالم جدید و قدیم قائل شده‌اند، همین بوده است. اشتراک در شب را چه کار کنیم؟ هر وقتی یک جور است. تابستان با زمستان فرق می‌کند. هر ماه فرق می‌کند. اشکال مهمی که ایشان در موسوعه ثالثه دارند، این است که مبدء رؤیت پذیری هلال که هر ماه یک جای کره زمین نیست. هر ماه عوض می‌شود. ایشان این اشکال را دارند. خب حالا که اینطور است، می‌خواهید چه کنید؟ اشتراک در شب، فوزی[مصیبت] می‌شود. معظم شب؟! معظم چیست؟! باید ارائه بدهید. لذا این جور که یادم هست، مرحوم آسید محمد سعید فرمودند عالم جدید و عالم قدیم. آمریکا را کنار بگذارید؛ این ربع مسکونی که فعلاً آسیا و آفریقا و اروپا با هم هستند، العالم القدیم است. عالم قدیم یکی باشند. شب‌شان و تقویم‌شان یکی باشد؛ عالم قدیم، نه «نَوَگی دنیا». مدت ها در اصطلاح به آمریکا «نیوگی دنیا» می‌گفتند. یعنی دنیای جدید. آمریکا نمی گفتند. آمریکا بعداً گفته شد. خب آن عالم قدیم اینجا است، «نیوگی دنیا» هم آن طرف است؛ عالم جدید است.

آقای تهرانی آخر کار به این صورت ختم می‌کنند:

> **و مما ذكرنا يعرف أنّ ما ذكر من أنّ الالتزام بكفاية خروج الهلال عن الشعاع في مبدء الشهور، موجبٌ لوحدة حساب الشهور و تاريخها، و منافٍ لوحدة شعائر هم المرتبطة بالأيام و التواريخ، كلامٌ على أساس الإحساس، خالٍ عن التحقيق، خارجٌ عن منطق التعقّل الصحيح، ساقطٌ من أساسه في الاحتجاجات.[1]**

یعنی شما نمی‌توانید این مشکل را به این چیز برگردانید.

در «اسألة حول رویة الهلال» وقتی می‌خواهند جواب استادشان مرحوم آقای خوئی را بدهند، می‌گویند: خب شما هم مثل ما گیر هستید. آن لحظه‌ای که از تحت‌الشعاع بیرون آمد نصف کره روز است و نصف دیگرش شب است. می‌خواهید چه کار کنید؟ در صفحه هشتم می‌گویند باید بگویید آن نصف کره که در وقت هلال، روز است، در روز شهر شروع می‌شود؛ «و هذا غیر صحیح قطعاً»؛ هیچ کسی نمی‌گوید که در وسط روز ماه شروع شده است. خود شما می‌گویید اشتراک در شب؛ یعنی اول شب کسانی که مشترک هستند. خود شما هم قائل به روز نیستید. در صفحه سی و سوم که می‌خواهند بگویند لیلة القدر شخص نیست، می‌گویند «لا منافاة» از نوعیت در عدد قطر و لیلة القدر. چون نمی‌توانیم بگوییم ما یک لیلة القدر داریم. تعبیرشان همان «النوعیة» است.

بنابراین باید خاستگاه عرض من معلوم باشد. ما اگر وجهی باشد که محل سوء استفاده باشد، خب اینکه مشکلی نیست؛ اینکه عاشق حرفتان نباشید، اولین صدقش همین است. مرحوم سید بن طاووس در اقبال می‌فرمایند؛ می‌گویند شیخ مفید ابتدا یک رساله در تأیید اخبار عدد نوشتند، چند سال بعد خودشان یک رساله در در اخبار عدد نوشتند. ظاهراً رساله در در بود و آوردیم اینجا خواندیم. اوّلی نبود. ولی سید آنها را داشته اند. خب اگر وجهی نباشد و سر نرسد، آدم بعدا

ردش می‌کند. بحث علمی برای بررسی این است که خلاصه ببینیم یک وجه چقدر توان پاسخ گویی را دارد. بحث علمی برای این است. نه برای سر رساندن. بعد هم به سراغ ادله اثباتیه میرویم. مفصل عرض کردم. میخواهیم ببینیم یک وجهی توجیه فقهی دارد، سر میرسد یا نه؟ این بحث ما است. لذا اگر مطرح فرمودند درخواست من این است که خاستگاهش را بگویند. بگویند یک عویصه ای هست؛ طرفین میگویند همه ما این مشکل را داریم. نمیتوان با یک روز، کار را حل کرد. خب حالا فکر کنیم و ببینیم میشود یا نمیشود. این وجه در صدد این است که آن عویصه را به نحوی حل بکند.

در توضیحاتی که در جلسه قبل صحبت شد، عرض کردم وقتی نصف النهار دحو الارض را معیار قرار بدهیم....

---

[1] رسالة حول مسألة رؤية الهلال ص ۱۲۱

بازبینی #2
ایجاد شده 11 ژانویه 2026 14:00:00 توسط ... .
به روزرسانی شده 12 ژانویه 2026 15:22:04 توسط ... .